

نگاهی به طرح بودجه سال ۵۹ (۱)

فروریختن آخرین توهومات و آرزوها

ی - انور

در نظر اول بررسی بودجه ۱۳۵۹، بی فایده بنظر می‌رسد زیرا بهر صورت این بودجه در یکی دو ماه آینده، احتمالاً پس از انتخاب نخست وزیر و اعضای دولت، مورد تجدیدنظر کلی قرار خواهد گرفت. از هم اکنون مسئولین دولتی صحبت از گذراندن بودجه اضطراری، صحبت از تغییر ارقام عمده از بودجه کنونی، بودجه جنگی و... مینمایند و در واقع زمینه را برای تغییراتی اساسی در بودجهی امسال آماده میکنند. که البته این خود ناشی از کسری بودجه ایست که با آن مواجهند و بدتر اینکه راه حل قابل حصول و آسانی نیز برای جبران این کسری در پیش ندارند.

بهر حال نگاهی کوتاه به بودجهی کنونی از جنبه‌های مختلف آموزنده است. اولین نکته اینکه مکانیزم تعیین بودجهی سال ۵۷، یعنی آخرین سال حکومت شاه، و سپس سال ۵۸ یعنی دوران دولت موقت بازرگان و سال ۵۹، یعنی دوران حاکمیت حزب جمهوری اسلامی - گروه بنی صدر مکانیزم واحدی است. به عبارت دیگر دستگاه دولتی، بر طبق روال همیشگی خود، اعتبارات را بر حساب امور (عمومی، دفاع ملی، اجتماعی، اقتصادی) و فصول هر یک از امور تعیین کرده و نهادهای مختلف، وزارتخانه‌ها، ادارات و بخصوص سازمان برنامه و بودجه همان نقش قبلی و همیشگی خود را ایفا نموده‌اند. و این مسئله گریزناپذیر است. نه عمامه‌های آخوندهای شورای انقلاب و نه فوکول و کراوات از فرنگ برکشتگان "متنور" میتواند در آن تغییری دهد. دولت و دستگاه دولتی کارکرد خاص خود را دارد و تا زمانی که در چهارچوبی کنونی حفظ گردد، عملکرد خود را کما بیش ادامه خواهد داد. بوروکراسی دولتی نه یک مجموعه جامد، بلکه هزار پائنی زنده و فعال است که به محیط خود عکس العمل نشان میدهد. رام کردن، و یا بهتر مهار کردن و کنترل این هزارپا، کار آسانی نیست، کاری در حد عرضه و توان دست اندرکاران و مسئولین کنونی، نوجه‌های بنی صدر و یا طلبه‌های حزب جمهوری اسلامی نیست. بوروکراسی دولتی دارای مکانیزم‌های دفاعی خاص خود است که میتواند عملاً بسیاری از تصمیمات مسئولین را خنثی کند و یا در جهت منافع خود هدایت نماید. غرض از گفتن این نکات اینکه حفظ مناسبات سرمایه‌داری و چهارچوبی دولت سابق این بوروکراسی را در تصمیم گیری‌های مسئولین جدید تجدید میکند بخصوص اینکه این مسئولین هم بعلت بی‌عرضگی و هم بعلت بی‌برنامگی مستعد پذیرش این عادات نیز هستند. این مطلب رفرمیسم هیات حاکمه را تشدید مینماید و نوآوری‌های آنها را در پیچ و خم دالانهای بوروکراسی آن چنان گرفتار میکند که عملاً

این رفرمها در حد شعار باقی مانده و نتیجه‌ی مشخصی دربر نخواهد داشت.

نکته‌ی دوم مسئله‌ی مهم کمر بودجه است، که بنا بر گفته‌ی مهندس سبحانی مسئول سازمان برنامه ۱۶٪ میباشد، یعنی حدود ۴۶۴ میلیارد ریال. اما بنظر میرسد کمر بودجه‌ی واقعی بیش از این است و صحبت از بودجه‌ی اضطراری و امثالهم نیز بنوعی مبین اهمیت کمر بودجه و ناامیدی دولت در جبران این کسری است. در واقع در آمد حاصله از نفت برای سال آینده چندان امیدوار کننده نیست زیرا اولاً قیمت نفت در بازار جهانی در طول مدت تقریبی ۶ ماه آینده ثابت خواهد ماند، تازه اگر کم نشود. از دیدگاه استخراج نفت عربستان سعودی، نفت دریای شمال، ورود نفت مکزیک و آلاسکا به بازارهای آمریکا و بخصوص پر بودن مخازن نفتی کشورهای صنعتی مصرف کننده‌ی نفت که زمستان نسبتاً ملایمی را پشت سر گذاشته‌اند، همگی دست بدست هم داده و امکان بالا بردن سریع قیمت نفت را فعلاً از بین برده است. مضافاً بر این، تولید نفت ایران بطور متوسط یک میلیون و شصدهزار بشکه است (البته آقای معین فر رقم یک میلیون هشتدهزار بشکه را بیان کرده که بنظر درست نماید). یعنی با توجه به مصرف داخلی که حدود یک میلیون بشکه است، صدور نفت بطور متوسط ۶۰۰ هزار بشکه در روز میباشد. بنابراین درآمد نفت درآمدهای آینده، آن اما مزادهائی نیست که بتواند معجزه کند و سوراخ سمیه‌های گشاد بودجهی امسال را پر نماید. نتیجه اینکه دولت برای جبران کسری بودجه خود دو راه بیشتر ندارد. یا سیاست "سفت کردن کمر بندها" و یا استفاده از ذخائر ارزی و کسب اعتبارات بین المللی. سیاست سفت کردن کمر بندها عملاً بمفهوم ازدیاد مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم است. فشار مالیاتی عمده‌تاً شامل حال حقوق بگیران خواهد شد زیرا صاحبان مشاغل آزاد بهر حال میتوانند بطرق مختلف از زیر پرداخت مالیات فرار کنند و یا آترا به قیمت محصولات و یا خدمات خود منتقل نمایند. همچنین بالا بردن قیمت مایحتاج عمومی از طریق ازدیاد عوارض دولتی و یا قطع کمک (سویست) دولتی نیز راه حلی برای تأمین بخشی از کمر بودجه میباشد که از هم اکنون نیز آغاز گشته است (از دید عملی قیمت نان، دوبرابر شدن قیمت سیگار داخلی، زمزمه‌های مربوط به بالا رفتن قریب الوقوع قیمت نفت و بنزین و...) فشار عمده‌ی این سیاستها بر دوش توده‌ی مردم، بردوش همان مستضعفان خواهد بود که آقایان انقدر دم از حفظ منافعتان می‌زنند. اما دست اندرکاران، بخصوص جناح بنی صدر و شرکا

میدانند که در شرایط تورم و گرانی سرسام آور، همراه با رکود اقتصادی و بیکاری گسترده، سیاست "سفت کردن کمر بندها" موجب تشدید نارضایتی توده‌ای میگردد و در نتیجه نمیتوان از آن بطور مداوم استفاده نمود. راه حل دیگر استفاده از ذخیره‌های ارزی است (که حدود ۸ میلیارد دلار آن فعلا در بانکهای امریکا توقیف است) و بخصوص استفاده از اعتبارات کشورهای خارجی است. بنی صدر و شرکا میدانند که در قبال تضمین‌های سیاسی و اقتصادی نسبتا محدودی، سوسیال دموکراسی اروپا و ژاپن و همچنین جناح "دوربین تر" هیات حاکمهی امریکا (سیروس ونس) حاضر به دادن اعتبارات لازم برای خارج نمودن ایران از بحران اقتصادی کنونی و بازسازی سرمایه‌داری آن میباشند. اما لازم است که مسئلهی گروگانها حل شود. اصرار بنی صدر و بورژوازی برای آزادی هر چه سریعتر گروگانها، نیز باین خاطر است که بورژوازی میدانند که بدون ارتباط اقتصادی دوباره‌ی کشورهای سرمایه داری غربی و بخصوص بدون کمک آنها قادر به بازسازی سرمایه‌داری و - راه انداختن چرخ تولید نمیشاند.

در چهارچوب راه‌حلهای بورژوازی، تامین اعتبارات بین‌المللی و کسب حمایت اقتصادی و سیاسی سوسیال دموکراسی اروپا، ژاپن و بخشی از هیات حاکمهی امریکا واقع بینانه‌ترین راه حل برای خروج از بحران اقتصادی است. مضافا اینکه سرمایه‌داری جهانی، و بخصوص سوسیال دموکراسی اروپا نیز در قبال تضمین‌های نسبتا کمی حاضر به هرگونه کمک به تجهیز و بازسازی سرمایه‌داری در ایران میباشند. بی‌میلی اروپا و ژاپن در دنباله‌روی بی‌چون و چغرا از امریکا در مورد مسئلهی گروگانها و همچنین کوشش بخشی از هیات حاکمهی امریکا در تداوم جستجوی راه حل "مسالمیت آمیز" در مورد گروگانها مبین شناختی است که این نیروها از اهداف و احتیاجات بورژوازی ایران دارند. مذاکرات بین طرفین (چه از طریق سفرهای آقای رمزی کلارک و یا آقای قطب زاده و چه از طریق کشورهای واسطه) نیز برای پیدا نمودن راه‌حلی، که برای هر یک منطبق بر "مصلح" سیاست داخلی و بخصوص در ارتباط با رقابت‌های داخلی، قابل قبول باشد، است. حل مسئلهی گروگانها هم باید آقای کارتر را در مبارزات انتخاباتی کمک رسان باشد و هم آقای بنی صدر را در مبارزه بر شد حزب جمهوری اسلامی تضعیف نماید.

در عین حال این سوال پیش می‌آید که چرا برای بازسازی اقتصادی ایران نمیتوان از حمایت بلوک شرق استفاده کرد و چرخ تولید را از طریق کمکهای فنی و مالی این کشورها براه انداخت؟

* جواب چنین سوالی، که طبیعتا باید از جانب حزب توده و جناح اکثریت فدائیان و دیگر طرفداران راه رشد غیرسرمایه‌داری طرح شود، بقرار زیر است:

اولا: از نظر اقتصادی محبت از بازسازی سرمایه‌داری ایران است. سرمایه‌داری اثنی که در ارتباط با بازار بین‌المللی سرمایه شکل گرفته و اکثریت کارخانجات و موسسات تولیدی-اش در ارتباط فنی و اقتصادی با غرب گسترش پیدا کرده

است. دول شرق قادر به تامین لوازم یدکی، مواد اولیه-که اکثرا نیمه ساخته هستند- برای صنایع ایران نمیشاند. در عین حال تبدیل همه- یا اکثریت- این صنایع و انطباق آنها با محصولات کشورهای شرقی مفهومش اختلاف حجم وسیعی از سرمایه‌های ثابت است که بورژوازی زیر بار چنین کاری نخواهد رفت. برخی از پروژه‌های صنعتی ایران از نظر فنی-پیشرفته‌تر از آنست که بلوک شرق بتواند آنها را تامین کند. محبت از اینکه رومانی میتواند مجتمع پتروشیمی ایمران و ژاپن را که تنظیم آن کاملا بطور خودکار و با استفاده از ماشینهای پیشرفتهی الکترونیک است، به اتمام برساند، شوخی کودکانه‌ای بیش نیست. از این گذشته کمبود ارز دول شرق تقریبا تمامی معاملات را بصورت پایاپای در خواهد آورد که این خود بازار خرید محصولات و ماشین آلات صنعتی را برای بورژوازی ایران بسیار محدود خواهد نمود و این مطلب را نیز بورژوازی به آسانی نخواهد پذیرفت. بنابراین ملاحظات اقتصادی، مبادلات و سرمایه‌گذاری کشورهای شرقی در ایران نمیتواند از حد معینی گسترده‌تر شود و در زمینه‌های خاص از صنعت و کشاورزی محدود خواهد ماند. بورژوازی ایران در عین استقبال از مبادله‌ی تجاری و یا حتی سرمایه گذاری این کشورها در ایران دچار این توهم نیست که بتواند سرمایه‌داری را با اتکاء به بلوک شرق بازسازی کند. کورهی راه نجات روی بفر دارد نه به شرق.

ثانیا: از نظر سیاسی، بورژوازی از گسترش روابط اقتصادی با شرق و بخصوص با شوروی هراس دارد. هم متحدان غربی بورژوازی ایران و هم خود آن از نفوذ اقتصادی شوروی و بلوک شرق در شرایط بحرانی که قدرت سیاسی بورژوازی هنوز کاملا تثبیت نشده است، بیمناکند. بورژوازی زمانی به استقبال روابط اقتصادی با شوروی خواهد شتافت که خود را تثبیت نموده‌باشد، یعنی پروسه‌ی بازسازی سیاسی و اقتصادی سرمایه‌داری تا حدود قابل توجهی پیشرفت کرده‌باشد روابط اقتصادی اینکه هم اکنون بورژوازی با بی میلی با بلوک شرق بر قرار نموده، بعنوان لولوی سر خرمن و وسیله تهدید و ترسندن محافل بورژوازی غربی مورد استفاده قرار میگیرد. و در عین حال شعار "نه شرقی نه غربی" و با حملات سیستماتیک به شوروی از طرف نمایندگان بورژوازی ایران برای ایجاد زمینه تفاهم با همپالکی‌های غربی و نشان دادن حسن نیت است.

بودجه سال ۵۹ و بودجه سال ۵۷

مقایسه‌ی بودجه‌ی سال ۵۹ (- ۲۲۶۵ میلیارد ریال) با بودجه‌ی ۵۷ - آخرین دولت شاهنشاهی (- ۲۳۶۶ میلیارد ریال) نشان دهنده‌ی ازدیاد بودجه‌ای حدود ۳۹۹ میلیارد ریال میباشد. بنابراین بطور طبیعی این سوال پیش می‌آید که با توجه به کم شدن مخارج هنگفت خریدهای نظامی از امریکا، فسخ بسیاری از قراردادهای پروژه‌های بزرگ (نروگاه - هائی اتمی، ساختمان بنادر و شاهراه، شرکتها، پروژه‌های ماهواره و...) و بالاخره حبس و میل ظاهرا کمتری نسبت

مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با سرمایه‌داری نیست

و وعیدهای آقا بان درهم فرو ریخته . در چند ماه آینده شاهد فرو ریخته شدن آخرین توهما و آخرین آرزوها خواهیم بود. ●

باخت بنی صدر...

خمینی و سکوت بنی صدر که تنها در روش سرکوب با حناح مقابل اختلاف دارد، پادشاه این سیاست خود را دریافت کردند. اکنون برده ها بکناری رفته و مجاهدین علنا "مورد تعرض و حمله" ارتجاع قرار گرفته اند. عقب نشینی اخیر این سازمان در قبال سخنان خمینی تنها نمایانگر این واقعیت است که رهبری هنوز تصور میکند که در صورت عقب نشینی در برابر ارتجاع و سرمایه داری لبه تیز حمله آنان را کند خواهد کرد، غافل از اینکه هر گاه می که مجاهدین با سایر نیروهای مترقی به عقب بردارند، ارتجاع چند کام به جلو خواهد داشت و حتی در صورت ادامه این سیاست بر تخریب و سرکشی آن افزوده خواهد شد.

از این رو چنان که انتظار میرفت اینبار حملات ارتجاع آشکارا و بدون هیچگونه پرده پوشی فرونی گرفت. آیت الله منتظری "فقیه عالی قدر" آینده، خامنه ای امام جمعه تهران، سازمان ارتجاعی مجاهدین انقلاب اسلامی و شمار بزرگی از پرفیجی های ارتجاع و سرمایه داری بدترین دشمنان را نشان مجاهدین و هواداران شان کردند. در این بین، مجاهدین انقلاب اسلامی حتی با از این هم فاصله نداشتند و چیزی هم طلبکار شدند و طی اعلامیه ای کادر رهبری مجاهدین را منعم کردند که "با اعلام تعطیل دفاتر خود می خواهند و او را کد که شدیداً تحت فشار است و حقان بیداد میکند" (جمهوری اسلامی دوشنبه ۹ تیرماه) آیا جز این است که تأثیر بخشی حملات و قاصد بار حمله ارتجاع و اگر سرمایه داری به مجاهدین دقیقاً "حاصل سیاست بینابینی، نادرست و راست رواسه" رهبری است. روشن است که از این پس با اندازه زیادی راه بر سیاست شترسواری دولا دولا بسته خواهد شد. از این پس هر حرکت مخالف از سوی مجاهدین با عکس العمل تند شخصی خمینی مواجه خواهد شد. رهبری مجاهدین دوره در پیش دارد: یا باید یکسره به سیاست "گروه ها تا وقتی اسلام را در جامعیت خویش نپذیرفته اند وحدت بنیادی ممکن نیست" (متن توافقنامه شورای انقلاب ... با ماداد ۸ تیرماه) و "وحدت بر اساس مکتب نه سازش" (بهشتی صدای جمهوری اسلامی یکشنبه ۸ تیرماه) تمکین کند یا بیکار برای همیشه دشمن واقعی را به مردم بنمایاند و این قدر مردم و هواداران خود را در مارچ کتک و ناروشن "نقاد خلق و امپریالیسم" دچار سردرگمی و بلاتکلیفی نکند.

به آنچه گفته شد باید افزود که وظیفه نیروهای کمونیست و مترقی در این شرایط و در حال یورشهای ارتجاعی به مجاهدین اینست که در عین دفاع فاطحانه از این سازمان و افتخار مایه تنگین توطئه های ارتجاع و سرمایه داری غلبه نیروهای انقلابی، از افشای سیاستهای سازش طلبانه در رهبری سازمان نیز کوتاهی نکنند. ●

به دوران شاه، چگونه است که بودجه ی کنونی ۳۹۹ میلیارد ریال نیز نسبت به سال ۵۷ بیشتر است؟ و یا شاید ایسن ازدیاد بودجه، با توجه به کم شدن ظاهری خارج، این امید را در دل پیروانند که سرمایه گذاریهای عمرانی دولت نسبت به گذشته بیشتر شده و بجای حیف و میل های دوران شاه، در دولت جمهوری اسلامی، آبادانی و مسکن و فرهنگ بمردم عرضه خواهد شد.

برای یافتن پاسخ این سوالات باید مقایسه ی بودجه های ۵۷ و ۵۹ را کمی دقیقتر انجام دهیم.

نکته ی اول اینکه اگر تورم بین سالهای ۵۷ تا ۵۹ را در نظر بگیریم، یعنی بودجه ی سال ۵۹ را به ریال سال ۵۷ تبدیل کنیم، خواهیم دید که این بودجه از بودجه ی سال ۵۷ کمتر است. اگر آمار مسئولیت دولتی را قبول کنیم، یعنی بسیار خوشبین باشیم، نرخ تورم از سال ۵۷ تا کنون ۵۰٪ بوده است (بنظر ما نرخ تورم خیلی بیشتر از این رقم و بطور واقع بینانه حدوداً ۸۰٪ است ولی فرض را بر قبول همان ۵۰٪ میگذاریم). بنابراین بریال سال ۵۷، بودجه ی سال ۵۹ حدوداً ۱۸۳۰ میلیارد ریال است یعنی ۵۲۶ میلیارد ریال کمتر از بودجه ی سال ۵۷. پس کم شدن مخارج خریدهای نظامی و پروژه های بزرگ لزوماً بمفهوم ازدیاد معادل در اعتبارات عمرانی نیست بلکه حذف این مخارج بصورت حذف بخشی از بودجه محلی میکند.

نکته ی دوم اینکه مخارج دولت بدلائلی که در زیر خواهیم آورد از جنبه هایی نسبت به سال ۵۷ زیاد شده است بطوریکه جبران صرفه جوئی های خریدهای نظامی و قراردادهای گزاف را میکند. منتقل شدن بانکها، شرکتهای بیمه و حتی از صنایع - دولت (ملی شدن آنها) مخارج سرسام آوری را - دولت تحمیل نموده است. سقوط حقوق و مزایا در شرکتهای بیمه و کارخانجات از متوسط حقوق دولتی بالاتر است و امروز تمامی این مخارج از کیسه دولت تأمین میگردد. هیچ یک از این موسسات سودآور نیستند. و عموماً در وضعیت ورشکستگی ملکی شده اند. سطح تولید کارخانجات بسیار پایین است و نبودن وسائل یدکی و مواد اولیه اکثر آنها را مجبور به پائین آوردن ظرفیت تولید نموده، اما مخارج این کارخانجات کم نگذشته، زیاد نیز شده است و دولت تأمین کننده اصلی این مخارج است. به اینها باید مخارج نهادهای "انقلابی" جدیدالولاده را نیز افزود، بخصوص مخارج سپاه پاسداران، کمیته ها، بودجه جهاد سازندگی و بودجه های نامعلوم و سری آوندهای مختلف که هر یک درباره ای برای خود تهیه دیده اند در این میان بودجه جهاد سازندگی و درآمد یک روز نفت برای عمران هراستان (که تحت نظر استاندار و جهاد سازندگی به مصرف میرسد. اگرچه حدود و شعور اختیارات نیز هنوز معلوم نیست) رقم قابل توجهی است (۵۶۶ میلیارد ریال) با توجه به کیفیت نازل کارهای عمرانی جهاد سازندگی و بلند حیف و میل و دردی که بهر حال گریبانگیر این نهاد "انقلابی" علیرغم وجود عناصر صادق در آن، نیز شده است. بی توان بازده واقعی این بودجه را برای مردم پیش بینی نمود. تاکنون توهما بخشی وسیعی از زحماتشان در مورد قول و قرارها و وعده

نگاهی به طرح بودجه سال ۵۹ (۲)

انعکاس بی برنامه‌گی و بی سیاستی هیئت حاکمه

ی - انور

(رجوع کنید به جدول ۲)

یکی از ادعاهای شیورجیان رژیم کنونی اینست که در بودجه امسال، با حذف و کم کردن مخارج زائد، موجبات انتقال بخشی از اعتبارات رایبه امور عمرانی و تولیدی فراهم آورده‌اند. نگاهی سطحی به جدول (۱) و توجه به کم شدن سهم مخارج نظامی و... می‌تواند این ادعا را تقویت کند. اما برای تأیید یا رد چنین ادعایی باید ببینیم که مخارج کدام مورد در بودجه ۵۹ نسبت به بودجه ۵۷ کم شده است و حجم کل اعتبارات حاصله از تقلیلها چه مقدار است. و همچنین لازم است که این محاسبات به ریال سال ۵۷ (یعنی با احتساب ۵۰٪ تورم) انجام شود تا واقعیات کویا تر شوند.

جدول ۲ نشان می‌دهد که در سال ۵۹ نسبت به سال ۵۷، در امور دفاعی، امور اجتماعی، هزینه‌های متفرقه، سرمایه‌گذاری در کشورهای خارجی و موسسات بین‌المللی و بالاخره "سایر پرداختها" بترتیب، با احتساب تورم ۳۴۶/۷۶٪، ۲۵۷/۰۳٪، ۴۱۰۸۰/۲۱٪، ۵۱۰۳۲/۱۲٪، ۸۳۷/۰۳٪ و ۵۷٪ صرفه‌جویی شده که مجموعاً "بالغ بر ۵۳۷/۰۳٪" می‌گردد. یعنی اگر در بودجه سال ۵۷ این صرفه‌جویی‌ها انجام میشد، بیش از ۸۰۰ میلیارد ریال اعتبار اضافی در دست دولت باقی می‌ماند تا صرف امور دیگر - از جمله امور عمرانی - برسد. اما در شماره پیش‌رهای (رهائی ۳۹) دیدیم که کل بودجه ۵۹، با احتساب تورم ۵۳۶٪، ۵۳۶ میلیارد ریال از بودجه ۵۷ کمتر است. یعنی از صرفه‌جویی فوق عملاً ۳۰۱/۰۳٪ میلیارد ریال در دست دولت باقی می‌ماند. پس تمامی این‌های وهوی مربوط به صرفه‌جویی در بیت‌المال و انتقال اعتبارات حاصله به بخشهای عمرانی و تولیدی مربوط می‌شود به ۳۰۱ میلیارد ریال. رژیم جمهوری اسلامی کمرغول را شکست! از بودجه ۲۳۴۶ میلیارد ریالی آخرین دولت شاهنشاهی، ۳۰۱ میلیارد ریال را - یعنی ۱۳٪ - را از بخشهای زائد صرفه‌جویی کرده و به قول خود به بخشهای تولیدی و عمرانی منتقل نموده است. که البته خصوصیت این انتقال اعتبارات را نیز بعداً بررسی خواهیم کرد. پس داد و بیداد آخوندها درباره بهدرفتن بیت‌المال در زمان شاه و آمار و ارقام مسیونی‌مدرباره بودجه‌های فاجعه‌آمیز شاهنشاهی، مربوط به همین ۱۳٪ می‌شود که الحمدلله آنهم رفع شد و اینک باید منتظر ایجاد بهشت در ایران بود!!

بجای اینکه بررسی اجزای مختلف بودجه سال ۵۹ را به ترتیبی که در جدول ۲ آمده است انجام دهیم، ابتدا به بررسی اموری می‌پردازیم که بودجه آنها نسبت به سال ۵۷ کاهش یافته و سپس به بخشهایی که مشمول افزایش بودجه شده‌اند خواهیم پرداخت. ضمناً "کوشش خواهیم کرد تا بفهمیم در کدام بخشها سیاستهای بورژوازی غالب شده و در کدامین بخشها توفقات خورده بورژوازی سنگینی میکند.

در بخش بیش (رهائی ۳۹) کلیاتی را درباره بودجه ۱۳۵۹ دیدیم و آنرا با بودجه ۱۳۵۷، با احتساب ۵۰٪ تورم، مقایسه نمودیم. در این مقاله بطور اجمالی بودجه را بر حسب امور آن در نظر گرفته و کوشش خواهیم نمود که با مقایسه با امور مربوط به در سال ۱۳۵۷ جهت گیری آنرا حدوداً مشخص کنیم.

بطور رسمی مهم‌ترین بخش بودجه صرف ۴ امر عمومی، دفاع ملی، اجتماعی و اقتصادی می‌گردد. و اخیراً "بودجه جهاد سازندگی و بگرو زنت اسانها نیز آن اضافه شده است. در سال ۵۷، بودجه امور چهارگانه فوق ۲۰۲۲ میلیارد ریال از ۲۳۴۶ میلیارد کل بودجه بوده است و در سال ۵۹، بودجه امور چهارگانه فوق به علاوه بودجه جهاد سازندگی ۲۶۸۲ میلیارد ریال از ۲۷۴۵ میلیارد ریال بودجه کل است.

جدول زیر سهم مخارج مختلف را در بودجه‌های سالهای ۵۷ و ۵۹ نشان می‌دهد:

عنوان	۱۳۵۷	۱۳۵۹
امور عمومی	۶/۹٪	۹/۲٪
دفاع ملی	۲۵/۲٪	۱۲/۷٪
امور اجتماعی	۲۵/۸٪	۱۸/۲٪
امور اقتصادی	۲۷٪	۳۳/۶٪
اعتبارات عمرانی، جهاد سازندگی و تخصیص در آمد بگرو زنت به اسانها	۱/۵٪	۱۹/۷٪
جمع	۸۶/۲٪	۹۳/۴٪
هزینه‌های متفرقه	۵/۱٪	۲/۳٪
بهره‌وامها و پرداخت دیون و بازپرداخت وامها	۱/۷٪	۴٪
سرمایه‌گذاری در خارج از کشور و کمک به کشورهای خارجی یا موسسات بین المللی	۱/۷٪	۰/۰۳٪
سایر پرداختها به موجب مجوزهای خاص	۴/۹٪	—
جمع	۱۰۰٪	۱۰۰٪

جدول ۱

برای در دست داشتن تصویری دقیق‌تر از بودجه سال ۵۹ در مقایسه با بودجه سال ۵۷، باید علاوه بر جدول فوق، حجم اعتبارات تخصیص داده شده را، با احتساب تورم، در نظر گرفت. همچنین باید تخصیص اعتبارات را در فصول هریک از امور فوق بررسی کرد.

دفاع ملی

سهم دفاع ملی از ۲۵/۲٪ بودجه سال ۵۷ به ۱۲/۷٪ از بودجه سال ۵۹ تقلیل یافته، یعنی از ۵۹۰/۲۰۰ میلیارد ریال ۵۷ به ۳۶۵/۱۶ میلیارد ریال ۵۹ (معادل ۲۴۳/۴۴ ریال ۵۷) تنزل یافته است. دفاع ملی شامل دوفصل نظامی و غیرنظامی می‌گردد که بودجه دومی کمتر از نیم میلیارد ریال بوده و در مقابل بودجه فصل نظامی قابل اغماض است. عمده‌ترین ارشام بودجه نظامی در درجه اول مربوط به برنامه پرسنل نظامی و برنامه تهیه، تولید، نوسازی و بازسازی و در درجه دوم مربوط به برنامه‌های عملیات و نگهداری و فعالیتهای مخصوص می‌گردد.

بودجه برنامه پرسنل نظامی، یعنی حقوق و مزایای پرسنل از ۱۵۵/۳۱۷ میلیارد ریال ۵۷ به ۲۲۴/۱۱۵ میلیارد ریال ۵۹ (معادل ۱۴۹/۴۱ ریال ۵۷) تغییر نکرده است. یعنی به ریال سال ۵۷، با وجود اینکه بودجه نظامی نسبت به سال ۵۷ کمتر از نصف شده است، کل حقوق و مزایای ارتشیان تغییر چندان ننموده است. و با توجه به اینکه تعداد پرسنل نظامی امروزه کمتر از دوران شاه است و آن بخش از مخارج نیز که صرف سفرها و مراسم مختلف و دردی‌های صاحبان ارتش می‌شد نیز لاقلاً ظاهر است کمتر شده است، می‌توان نتیجه گرفت که ارتشیان، یا لاقلاً رده‌های در ارتش، جزء معدود گروه‌هایی هستند که درآمد واقعی‌شان نسبت به سال ۵۷ افزایش یافته است. البته این افزایش لزوماً یک‌نواخت نبوده و احتمالاً به یک نسبت شامل حال همه ارتشیان نشده است. رژیم جمهوری اسلامی نیز سرعاً درک نموده که سیر نگاهداشتن قزاقان ارتش از شرایط لازم حفظ و فاداری آنان است.

صرفه‌جویی اصلی در برنامه تهیه، تولید، نوسازی و بازسازی انجام گرفته است. این برنامه شامل تولید سلاحهای مختلف در ایران (کارخانه‌های اسلحه‌سازی، هلیکوپتر، مسمود مین‌جهره و...) خرید وسائل یدکی برای انواع جنگنده‌ها (هواپیما، تانک، کشتی‌ها و وسایل جنگی، وسائل مغایرات، رادارهای پیچیده و کمران قیمت)، مخارج بازرسی و تعمیر و نگاهداری این اسبوه‌ها (با کمک مستشاران آمریکایی و متخصصین فیلی پینی) بوده است. بودجه این برنامه از ۳۵۳/۵۵ میلیارد ریال ۵۷ به ۸۷/۰۸ ریال ۵۹ (معادل ۵۸/۰۵ میلیارد ریال ۵۷) تنزل نموده است. این مطلب نباید تعجب‌آور باشد و از دو جهت قابل توضیح است. اولاً "فرار هزاران مستشار آمریکایی و فروپاشی ارتش در هفته‌های اول انقلاب عملاً" بخش قابل توجهی از تجهیزات مدرن و کمران قیمت ارتش را بی‌صرف نمود. در دوره حکومت موقت بازرگان، خرید وسائل یدکی آمریکایی به حداقل لازم برای ادامه جنگ در کردستان و در خدمتوانانی تکنیسینهای باقیمانده در ارتش رسید که آنهم بعد از اشغال سفارت آمریکا قطع گردید. از انقلاب تا کنون، ارتش ایران بزرگترین و عملاً تنها تامین کننده وسائل یدکی و خدمات نظامی خود را از دست داده و شاهد اضمحلال تدریجی تسلیحات و تجهیزات پیچیده و کمران قیمتی که هر سال میلیارد ها ریال خرج نگهداری و

تعمیر و بازسازی آنها بود، می‌باشد. بی‌جهت نیست که آقای چمران در محاسبه رادیکالی خود می‌گوید که بهر حال باید برای این سرمایه عظیم (!) که در حال نابودی است فکری کرد و لوازم یدکی آنرا فراهم آورد (البته ایشان خوب میدانند که برای اینکار راه دیگری بجز تجدید رابطه سیاسی با آمریکا نیست). نکته دیگر مربوط به سیاست نظامی هیئت حاکمه کنونی است. برخلاف رژیم شاه که وظیفه ژاندارمی منطقه را بر عهده داشت و همچنین آرزوی گسترش نفوذ نظامی در اقیانوس هند را در سر می‌پروراند، اهداف رژیم کنونی محدود به حفظ "نظم" داخلی و سرکوب مبارزات مردم بخصوص اقلیت‌های ملی است. طبیعی است که چنین وظیفه "حفظی" احتیاج به تسلیحات گذشته ندارد و با ارتشهای ای که محمدرضا شاه از سوپ و تانک و هلیکوپتر و هواپیما و اسلحه سبک و سنگین برای جمهوری اسلامی گذاشته است، یکی دوسال دیگر می‌توان بقول معروف از کبسه خورد. اگر چه در آینده سازماندهی دوباره ارتش لزوماً، همانطور که آقای چمران بطور مرتب اعلام می‌کند، تجدید رابطه نظامی با آمریکا را در خود ملحوظ دارد، اما لزوماً همان خریدها و قراردادهای دیوانه‌وار رژیم شاه را در بر نخواهد گرفت.

مقایسه بودجه نظامی ۵۷ با ۵۹ نشان می‌دهد که برنامه بورژوازی در مجموع در جهت گیری جدید سیاست نظامی خلاصه می‌شود. درجه معرکه سرمایه‌داری ارتش از نظر حقوقی حافظ مرزهای کشور در مقابل بیگانگان است. اما در واقعیت ارتش بخشی از ارگانهای سرکوب هیات حاکمه را تشکیل میدهد. این جنبه از وظیفه ارتش در دورانی بحرانی تشدید می‌شود. ده‌ها کودتای قرن اخیر، دخالت‌های مظم ارتشهای ارتجاعی در امور داخلی کشورها و گشتار زخم‌گشان نشان‌دهنده نقش واقعی و نه حقوقی ارتش است. در بحران کنونی ایران سرمایه‌داری از ارتش عمدتاً بعنوان وسیله سرکوب داخلی استفاده می‌کند و نه بعنوان ابزار گسترش "انقلاب اسلامی" به دیگر مناطق جهان. واقعیت جامعه به خرده بورژوازی نیز فهمانده است که فعلاً دوران خیال پردازی درباره "دور انقلاب اسلامی" نیست. باید تاج زین چسبید، اسب سواری پیش کش بودجه نظامی در جهت سیر نگاهداشتن و حفظ تجهیزات لازم برای عملیات درون مرزی تنظیم شده است و نه چیز دیگر.

امور اجتماعی

بعد از بودجه دفاع ملی، سهم اجتماعی در بودجه کل بیشترین سقوط را متحمل شده و از ۲۵/۸٪ در سال ۵۷ به ۱۸/۲٪ در سال ۵۹ و یا از ۶۰۴/۴۸ میلیارد ریال ۵۷ به ۵۲۱/۱۸ میلیارد ریال ۵۹ (معادل ۳۴۷/۴۵ ریال ۵۷) رسیده است. یعنی کاهش واقعی بودجه امور اجتماعی، با احتساب تورم بالغ بر ۲۵۷/۹۳ میلیارد ریال است. خوب است که ببینیم که این کاهش گریبانگیر کدام یک از فصول بودجه امور اجتماعی گردیده است.

از ده فصلی که بودجه امور اجتماعی بخود تخصیص می‌دهد، مهمترین آنها از نظر حجم اعتبارات تخصصی عبارتند از: آموزش و پرورش، تامین و رفاه اجتماعی، بهداشت و درمان و تغذیه، مسکن، عمران شهرها، عمران روستاها. بیشترین کاهش شامل بودجه

عنوان	سال ۵۷	سال ۵۹
امور عمومی	۱۶۱/۱۹۲/۳۸۷	۲۶۳/۹۹۰/۱۹۱
امور دفاع ملی	۵۹۰/۲۰۶/۶۴۸	۳۶۵/۱۶۵/۰۴۷
امور اجتماعی	۶۰۴/۴۸۲/۴۴۳	۵۲۱/۱۷۵/۲۸۱
امور اقتصادی	۶۳۲/۳۵۷/۲۶۷	۹۶۷/۷۷۶/۶۲۵
جمع	۱/۹۸۸/۲۳۸/۷۴۵	۲/۱۱۸/۱۰۷/۱۴۴
افزایش میشود: اعتبارات جاری و عمرانی جهاد سازندگی و درآمد یک روز نفت استانها	۳۴/۴۶۳/۱۵۲	۵۶۶/۸۲۳/۳۰۰
جمع	۲/۰۲۲/۷۰۱/۸۹۸	۲/۶۸۴/۹۳۰/۴۴۴
عزیمه های متفرقه	۱۲۰/۴۷۳/۱۹۲	۶۶/۷۶۶/۶۵۳
سپهر و کارمندان و امثال	۹/۲۹۵/۲۸۲	۲۸/۱۳۲/۰۰۲
بازپرداخت وامها و پرداخت دیون	۳۰/۱۸۳/۵۸۰	۸۵/۵۵۸/۳۰۰
جمع	۲/۱۸۲/۶۵۳/۶۵۲	۲/۸۶۵/۳۸۷/۳۹۹
سرمایه گذاری در خارج از کشور و پرداخت وام و کمک به کشورهای موسسات خارجی و بین المللی	۳۹/۰۸۳/۹۱۳	۱۰/۰۰۰/۰۰۰
جمع کل	۲/۲۲۱/۷۳۷/۸۶۵	۲/۸۷۵/۳۸۷/۳۹۹
افزایش میشود: سایر پرداختها بموجب مجوزهای خاص	۱۲۴/۵۲۰/۸۶۳	—
کسر میشود: مرفه جوشی ضمن اجرای بودجه	—	۱۲۹/۹۹۹/۱۷۵
نتیجه	۲/۳۴۶/۲۵۸/۷۲۸	۲/۷۴۵/۳۸۸/۲۲۴
		(مبلغ به هزار ریال) جدول ۲

شدیدا "تقلیل داده است (۵٪ کل بودجه ۵۹) و البته ادعا میکند که این مربوط به حذف مخارج زائد است و کیفیت بهتر شده است، که در این مورد باید به آقایان تذکر داد که چنانچه غلایی در ارگانهای اجرائی پدید آمده که با کاهش ۱۹۴/۱۸ میلیارد ریال از بودجه آموزش و پرورش، کیفیت آن بهتر شده است، مگر خود مدعی نیستید که هنوز هم از رانخانه ها و روابط طاغوتی برقرار است و همان استخوانبندی فاسد گذشته در ادارات دولتی حاکم میباشد؟ پس چگونه است که کیفیت خدمات آموزش و پرورش بهتر شده در حالیکه کمیت بودجه آن شدیدا کاهش یافته است؟ آقایان واقعیتی را که مردم نیز آنرا روز بروز بهتر میفهمند است که شما از رژیم شاهنشاهی نیز در ارائه خدمات اساسی چون آموزش و پرورش عقب ترید. مردم، همین مستضعفین دیرباز زود به مقایسه حال با گذشته دوران شاه خواهند پرداخت و عقب ماندگی شما حکام جمهوری اسلامی، روی برگرداندن از شمارا در ایشان تقویت خواهد کرد. مردم بدتر شدن شرایط زندگی خود را بطور روزمره حس میکنند و لمس مینمایند. اما قول های شما اگر هم متحقق شوند که نخواهند شد - متعلق به آینده است. صبر انقلابی هم حدودی دارد. مثلا قولهای

مربوط به حل مسئله مسکن بالاخره خود را در افزایش اعتبار فصل مسکن در بودجه امور اجتماعی از ۳۹/۵۹۹ میلیارد ریال ۵۷ به ۷۵/۱۳ میلیارد ریال ۵۹ (معادل ۵۰/۰۹ میلیارد ریال) نشان داد، که اگر خرج کنونی خانه ارزان قیمت را ۲۰/۰۰۰ ریال برای هر

آموزش و پرورش گشته که از ۲۸۶/۴۸ میلیارد ریال در سال ۵۷ به ۳۸/۴۵ میلیارد ریال سال ۵۹ (معادل ۹۲/۳ میلیارد ریال) رسیده، یعنی ۱۹۴/۱۸ میلیارد ریال ۵۷ کاهش یافته است! اعتبارات بهداشت و درمان و تغذیه از نظر کاهش مرتبه دوم را داشته و از ۸۰/۵۳ میلیارد ریال به ۵۷/۱۵ میلیارد ریال ۵۹ (معادل ۳۸/۱ میلیارد ریال) تنزل یافته یعنی کاهش واقعی در حدود ۴۱/۹۳ میلیارد ریال ۵۷ داشته است. بودجه بخش تامین رفاه اجتماعی بدون احتساب تورم، افزایش یافته است: از ۱۶۳/۵۷ میلیارد ریال ۵۷ به ۱۹۲/۹۶ میلیارد ریال ۵۹ (معادل ۲۸/۶۴ میلیارد ریال) اما با احتساب تورم، کاهش این اعتبارات بالغ بر ۳۴/۳۹ میلیارد ریال میگردد. بنابراین میبینیم که علیرغم های وهوی زیاد، عملاً "بودجه موراسی چون آموزش و پرورش، بهداشت و تغذیه و تامین رفاه اجتماعی نسبت به آخرین دولت شاهنشاهی کاهش چشمگیری یافته است. و ناگفته پیداست که فشار مالی چنین کاهش بردوش زحمتکشان جامعه است. در دوران حکومت تنگن بهلوی، اعتراض نیروهای مترقی و دمکرات به زیادبودن بودجه های آموزش و پرورش، تامین رفاه اجتماعی و بهداشت و تغذیه نبود، بلکه برعکس به کمبود این بودجه ها و کیفیت نازل و فسادین گونه خدمات بوده است. بعنوان مثال در مورد آموزش و پرورش نه فقط به کمیت نازل بودجه آن مثلاً در مقایسه با مخارج نظامی (۱۱/۸٪ در برابر ۲۵/۲٪ در سال ۵۷) اعتراض میشد بلکه کیفیت آن نیز مورد حمله و انتقاد بود. اما رژیم جمهوری اسلامی چه کرده است؟ کمیت بودجه آنرا

متر مربع حساب کنیم، با این بودجه میتوان حداکثر ۳۷۵۶۰ و ۳۷۵۶۰ سکوئی ۱۰۰ متری بنا کرد. و این تازه با حداکثر خوشبینی در باره وجود مصالح ساختمانی و سرعت کار برای اتمام این واحدها در عرض یکسال و... است. بدین ترتیب در بخش امور اجتناب آنچه که برای زحمتکشان نفاذ است، همان محرومیت میباشد و آنچه که نسبه است ممکن، که آنرا هم اگر در این دنیا نصیبشان شود، اگر بقول آقای بنی صدر "معنوی" باشد حتما "در آن دنیا پاداش خواهند گرفت!"

امور عمومی

بودجه امور عمومی از ۱۶۱/۱۹ میلیارد ریال سال ۵۷ به ۲۶۳/۳۹۹ میلیارد ریال سال ۵۹ (معادل ۱۷۷/۹۹ میلیارد ریال ۱۵۷) افزایش یافته است. این افزایش بودجه و تفهیم سیرات اعتبارات فصول دوازده گانه امور عمومی به ازدیاد چشمگیر اعتبارات حمل "حفظ نظم و امنیت داخلی کشور"، اجسرای سیاست داخلی کشور "ساختمانها و تاسیسات دولتی" منجر شده است. بودجه "حفظ نظم و امنیت داخلی کشور" از ۷۸/۵۰ میلیارد ریال ۵۷ به ۱۲۷/۱۰ میلیارد ریال ۵۹ (معادل ۹۱/۴۷ میلیارد ریال ۵۷) افزایش یافته، یعنی ارزندی معادل ۱۶/۵٪ با ریال ۵۷ برخورداری بوده است. مطالعه دقیقتر این فصل از بودجه عمومی نشان میدهد که این ازدیاد عمدتاً شامل "حفظ امنیت" خارج از شهرها و روستاها میگردد. اعتبار اجرای سیاست داخلی کشور نیز از ۹/۸۸ میلیارد ریال ۵۷ به ۳۰/۷۳ میلیارد ریال ۵۹ (معادل ۲۰/۴۹ میلیارد ریال ۵۷) افزایش یافته، یعنی نرخ رشدی بیش از ۱۰۰٪ داشته است.

بدین ترتیب روشن میشود که سخنان بنی صدر درباره سال "نظم و امنیت" را کمیت دولت و پیام نوروزی خمینی که در آن نیز به "نظم و امنیت" اشاره کرده بود بازتاب غسود را در تنظیم بودجه عمومی دولت یافته است. نکته دیگری که در بودجه امور عمومی باید به آن اشاره کرد رشد چشمگیر مخارج احداث ساختمانها و تاسیسات دولتی است (بیش از ۲۵۰٪) که مبین کوشش دولت در برآوردن بخش از فعالیتهای تولیدی از طریق برآوردن کارهای ساختمانی است که در اقتصاد ایران نقش کلیدی بازی میکند.

امور اقتصادی

سهم اعتبارات امور اقتصادی از ۲۷٪ در بودجه ۵۷ به ۳۳/۶٪ از بودجه ۵۹ افزایش پیدا نموده است. اما ترجمان این افزایش ریال سال ۵۷ حدود ۱۲۳ میلیارد ریال است. زیرا که اعتبار ۹۶۷/۷۷ میلیارد ریالی سال ۵۹، با احتساب تورم، معادل ۶۴۵/۱۸ میلیارد ریال ۵۷ میگردد که تفاوت آن با بودجه ۶۳۲/۳۶ میلیارد ریالی سال ۵۷ حدود ۱۲ میلیارد ریال است. اما توجه به فصول یازده گانه امور اقتصادی و نسبت اعتبارات تخصصی به آنها نشان میدهد که دولت کنونی هنوز سیاست روشنی در مورد برنامه های اقتصادی آینده کشور در دست ندارد. و آنچه که در سخنرانیها در مورد اهمیت کشاورزی و با صنایع مادر و غیره بیان میشود فعلاً

در حد حرف باقی مانده و هیچ نشانه ای از برنامه های روشن در دست نیست. اقداماتی از قبیل اطلاعات ارضی و ملی کردن نهان نیز نه در چهارچوب یک برنامه اقتصادی کلی بلکه بیشتر به صورت اقداماتی منفرد است که یا از پائین بدولت تحمیل گشته و یا حاصل فعالیت جناحهایی از حاکمیت کنونی که راه عملی نموده اند، میباشد. این بی برنامه گی و یا بی کفایتی در ارائه برنامه خود را در تناقضات فاحش بین ادعاهای اقتصادی رژیم و عملکرد واقعی آن نشان میدهد. بعنوان مثال بودجه کشاورزی و منابع طبیعی نسبت به آخرین دولت شاهنشاهی تقلیل یافته است! و این علیرغم ادعاهای رژیم مبنی بر تشویق کشاورزی و ایجاد تسهیلات برای ایشان است. بودجه کشاورزی از ۷۵/۱۲

میلیارد سال ۵۷ به ۷۴/۹۸ میلیارد سال ۵۹ که معادل ۴۹/۹۸ میلیارد ریال ۵۷ میباشد. تنزل نموده که نرخ تنزیل آن ۳۳٪ است! فصل صنایع، با احتساب تورم، از همان اعتبار سال ۵۷، یعنی آخرین دولت شاهنشاهی، برخوردار است. همچنین بودجه برنامه های ماندن حمل و نقل و ارتباطات، بازرگانی، برق و معادن (به جز نفت و گاز) کاهش یافته اند و این در تضاد با ادعاهای رژیم مبنی بر اهمیت دادن گسترش شبکه برق و راه به شهرستانها و روستاها است. در مقابل سرمایه گذاری در استخراج و اکتشاف نفت، پالایش و توزیع آن شدیداً "رشد نموده است (۲۰۲ میلیارد ریال ۵۹). با وجود حجم عظیم سرمایه گذاری بعید بنظر میرسد که دولت قادر باشد مشکلات صنایع استخراج نفت را در سال آینده برطرف کند. بنظر میرسد که تنظیم یک برنامه اقتصادی عقلانی زمانی بطور جدی در دستور کار قرار بورژوازی قرار خواهد گرفت که حاکمیت سیاسی اش تثبیت شده باشد. تا آن زمان ما شاهد همین کجدار و مریزها و سرهم بندیها برای جلوگیری از شدت یابی تضادها و کوشش برای تخفیف فشار اقتصادی ای که ممکن است منجر به طغیانی دیگر گردد خواهیم بود.

جهد سازندگی

اعتبارات جاری و عمرانی و جهد سازندگی و درآمدهای دیگر از نفت استامپا در سال ۵۹ بالغ بر ۵۶۶/۸۲ میلیارد ریال میگردد که در مقایسه با اعتبارات عمرانی آخرین دولت شاهنشاهی (۳۴/۴۶ میلیارد ریال ۵۷)، ۳۴۳/۴۰ میلیارد ریال ۵۷ افزایش یافته است. دشمنی بورژوازی با برنامه جهد سازندگی تاکنون آشکار شده است و اعتراضات رئیس سازمان برنامه به بی حساب و کتاب بودن این نهاد برکسی پوشیده نیست. اولاً "جهد سازندگی" حجم عظیمی از اعتبارات را از کنترل مستقیم بورژوازی خارج کرده و دوماً "باتکیه به این اعتبارات و پشتیبانی که در جناح خرده بورژوازی حاکم دارد، در بسیاری از نقاط کشور به قدرتی در مقابل قدرت دولتی تبدیل شده است. از نظر سیاسی نیز این نهاد طبیعتاً پشتیبان جریانات متعایل به حزب جمهوری اسلامی است و در بسیاری از نقاط بصورت یکی از ارکانهای اجرایی آن عمل میکند.

نکته دیگر رابطه جهد سازندگی با زندگی مردم است. این نهاد نیز پس از یکسال و اندی حیات و تصفیه بسیاری از عناصر صادق که در اوائل بخاطر شوق خدمت به مردم در آن شرکت کردند،

هفته نامه

رهائی

نشریه سازمان وحدت کمونیستی

جمهوری اسلامی در عزای...

در پرونده‌ی او موجود است به چگونگی ماوریتش در اطربش و آشنائی اش با ابرج کلسرخی و ماوریت مشخص در لبنان اعتراف نمود. ماوریت مشخص او در لبنان ردیابی اعضای ساخته شده‌ی سازمانهای فعال ایرانی در لبنان و همچنین ردیابی محلهای مسکونی رهبران جنبش مقاومت بود. او در این اعترافات صریح کرد که با نقشی قبلی قصد نفوذ در بخش امنیتی الفصح را داشته است.

پس از اتمام بازجوییهای اولیه و پس از آنکه نمایندگان سازمانهای فعال ایرانی در منطقه در جریان امر فرار گرفتند، از طرف گروه ما، تقاضا نامه‌ای کتبی به دادستان انقلاب الفصح مبنی بر تحویل دادن وی به اطلاعات ایران داده شد. اما سازمان الفصح، از آنجا که فشار ایران اطلاعاتی مبنی بر معفود شدن وی صادر کرده بود و بخاطر رعایت مصالح دیپلماتیک خود در لبنان، از تحویل او به سازمانهای ایرانی خودداری نمود. رمضانهای مدنی در زندان بسر برد تا آنکه متوجه شدیم وی بر اثر فشار جناحهای خاصی!! پس از مدت حدوداً یکسال از زندان آزاد شده است. در طول زندان وی و پس از آن، ما بارها به بخش مربوطه تحت مسئولیت ابو طارق مراجعه کرده و خواستار پی گیری مجازات وی شدیم.

در تابستان سال ۱۹۷۸، دو تن از رفقای گروه در لبنان بطور تصادفی با وی در منطقه‌ی تحت نفوذ سوریه در بیروت - منطقه‌ی باسطا - برخورد کردند و هنگامیکه قصد دستگیری وی را داشتند وی فرار کرد و پیگیری و تعقیب رفقا به نتیجه‌ای نرسید، زیرا او به آغوش سربازان و افسران سوریه پناه برده بود.

این داستان "مبارزات شهیدی" پرافتخار است که آقای چمران از او بعنوان مبارزی "جان باخته" که به "... سازمان امل کمک" میکرد نام میبرد. آری "دوستان مومن" چمران از این بهتر نیز نمیتوانند باشند، او دوست مومن دیکرش یعنی عزت الله جهانگیری، معاون اسبق ساواک کتند و همکار ما شالله قصاب را به معاونت در ساواک برگزیده و اداره‌های مختلف ساواک را بازسازی میکند. او حق دارد در سوگ یک ساواکی، یک املی، کریه کند، او حق دارد که به "ملت ایران"، "شهادت" رمضانخانی را تسلیم نکند، زیرا او یک سرکوبگر است و طبعاً فقدان هر سرکوبگر، برایش دردی بزرگ خواهد بود.

عملاً دچار همان بلبه‌های رایج در دیگر نهادهای "انقلابی" گشته و بتدریج فساد و دزدی و... جای خود را در آن باز کرده‌اند، اگر چه در مقایسه با نهادهای چون "بنیاد مستضعفین" و "باکمیته" ها، هنوز جهاد سازندگی بسیار سالم می‌نماید. از این گذشته، فعالیت‌های جهاد سازندگی حتی آنجا که مداخله عمل می‌شود، شدیداً "تحت تاثیر توهمات خرده بورژوازی" مجریان بوده و نه در چهارچوب یک برنامه کلی و در هماهنگی با نیازهای منطقه‌ای بلکه بصورت منفرد، رفع و رجوع و حل موقتی مشکلات و کمبودهای مالی و غیره تظاهر میکند. نتیجه چنین فعالیت‌های سطح کیفی نازل آن و حیف و میل میلیاردها ریال است که میتواند در خدمت تحول واقعی زندگی زحمتکشان فرار گیرد.

کلام آخر

ویژگیهای عام بودجه‌ها سال را میتوان بطریق زیر خلاصه نمود. تا آنجا که بدرنگی زحمتکشان مربوط میشود، بودجه اصل هیچ سودی برای حل و یا تخفیف مسائلی چون کرائی، بیکاری، بیمه‌گی و... غیره دربر ندارد. در پس این تمام بررگی که به اصطلاح فرار است خرج رفاه "مستضعفین" کرده، به بهبود بلکه وحم کردن شرایط زندگی زحمتکشان پنهان است. در عین حال این بودجه، در مجموع عودت یک سیاست سیاسی غفلانی بورژوازی جهت بازسازی سرمایه‌داری ایران نیز می‌باشد اگر چه در سطح بودجه‌سختی ورن بورژوازی نسبت به خرده بورژوازی کاملاً محسوس است، اما ما هنوز با آنچنان بودجه‌سازای روبرو می‌شویم که سرمایه‌داری سرمایه‌داری را در اقتصاد محلی به پیش می‌برد. خطوط بودجه بحر در مواردی که به جناحین حاکم با هم در توافقند (مثل بسط و گسترش ابزار سرکوب و ایجاد "نظم و امنیت" و...) هنوز بارز است. بنظر میرسد که در تنظیم بودجه نمایان خرده بورژوازی بیش از اینکه بصورت تبدیلی مشخص در مقابل برنامه سرمایه‌داری فرار گیرد، بصورت نوعی ترمز و قید و بند عمل کرده بطوریکه بودجه، علیرغم دارا بودن چهارچوب و یک استخوانبندی بورژوازی، نتوانسته کلاً خواسته‌های سرمایه‌داری را برآورده کند و بیشتر منعکس کننده ناتوانی آنست. حال باید منتظر بود و دید که در تنظیم بودجه اطاری چه پیش می‌آید؟ به احتمال قوی بودجه ادطاری نیز - بخصوص که از تجویب مجلس کنونی نیز تأیید نگردد - قتل از اینک نقطه اختتامی، بر بی‌برنامگی و اختلافات هیات حاکمه باشد، حامل محرومیت بیشتر و رنج فراوانتر برای زحمتکشان خواهد بود.

تاورمی

۱۱. منظور از سال ۵۷ و سال ۵۹، ارزش ریال در این سالها سادس بر کرمنس طرح سوم است.

تذکر

با پوش فراوان در این شماره نیز موفق به درج آخرین قسمت مقاله "برخوردی به تفکر و روشی سازمان چریکهای فدایی خلق" نکردیم. این مقاله را در شماره آینده ملاحظه خواهید فرمود.